

## اروپا باید برای جلوگیری از جنگ بزرگ اقدام کند

حملات بی‌سابقه و گسترده اسرائیل به خاک ایران، دیپلماسی هسته‌ای را عملاً متلاشی کرده و منطقه را در آستانه یک جنگ بزرگ قرار داده است. در شرایطی که آمریکا برای مدیریت اوضاع با چالش روبه‌روست، اروپا می‌تواند و باید نقشی کلیدی در مهار این تنش خطرناک ایفا کند.

صبح روز ۱۳ ژوئن، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، تأیید کرد که اسرائیل حملات شبانه‌ای را با هدف وارد کردن خسارتی قابل توجه به تأسیسات نظامی ایران انجام داده و آن را فاز اول از یک کارزار نظامی خواند که ممکن است هفته‌ها به طول انجامد. این تهاجم که با ۲۰۰ جنگنده به ۱۰۰ نقطه مختلف از جمله تأسیسات هسته‌ای صورت گرفت، بزرگ‌ترین حمله نظامی به ایران از زمان جنگ با عراق محسوب می‌شود. در این عملیات، فرماندهان ارشد ارتش و سپاه پاسداران و همچنین دانشمندان هسته‌ای ایران کشته شدند و رسانه‌های ایرانی از کشته شدن غیرنظامیان نیز خبر دادند. در مقابل، ایران صراحتاً اعلام کرده است که این حمله بی‌پاسخ نخواهد ماند و تهران آن را به منزله اعلان جنگ تلقی می‌کند.

این تهاجم درست ۴۸ ساعت پیش از دور جدید مذاکرات هسته‌ای میان ایران و فرستاده ویژه آمریکا انجام شد و عملاً امیدها برای دستیابی به یک توافق دیپلماتیک را نابود کرد. اگرچه دولت ترامپ اعلام کرده که از پیش در جریان حمله بوده اما کوشیده از آن فاصله بگیرد، ایران این اقدام را با چراغ سبز آمریکا می‌بیند، به‌ویژه آنکه احتمالاً آمریکا در این حمله نقش حمایتی (مانند سوخت‌رسانی به جنگنده‌ها و اشتراک اطلاعات) داشته است.

واکنش اولیه ترامپ، که خواستار «توافق با ایران» پیش از موج بعدی حملات شد، نشان می‌دهد که او این دیدگاه تندروها را پذیرفته که فشار نظامی اهرم دیپلماتیک آمریکا را تقویت می‌کند. با این حال، این حمله باعث شده ایران از ادامه مذاکرات انصراف دهد و موضع خود را سخت‌تر کند. علاوه بر این، حملات اسرائیل تقریباً به طور قطع باعث تقویت حامیان حرکت به سمت ساخت سلاح هسته‌ای در داخل ایران خواهد شد و این کشور را به خروج از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) ترغیب می‌کند؛ تصمیمی که تهران تاکنون در برابر آن مقاومت کرده بود.

رهبری ایران اکنون با فشار شدیدی برای پاسخی قاطع روبه‌روست. در داخل ایران این بحث جریان داشته که عدم پاسخ قاطع به حملات قبلی اسرائیل یک اشتباه استراتژیک بوده است. این فشار با تضعیف متحدان کلیدی تهران در لبنان و سوریه دوچندان شده و این نگرانی را ایجاد کرده که حمله اخیر، مقدمه‌ای برای بی‌ثبات‌سازی گسترده‌تر ایران باشد. منطق حاکم این است که اگر ایران اکنون از قدرت نظامی خود استفاده نکند، ممکن است تمام کارت‌های خود را از دست بدهد. ایران احتمالاً در ابتدا از کشاندن مستقیم آمریکا و متحدان عربش، که روابط خود را با آن‌ها بهبود بخشیده، به درگیری خودداری خواهد کرد.

در این شرایط بحرانی، اروپا وظیفه‌ای فوری برای کاهش تنش دارد. نخست آنکه باید این تجاوز نظامی اسرائیل را که تهدیدی برای صلح منطقه است، صراحتاً محکوم کند تا به منزله چراغ سبزی برای تشدید حملات تلقی نشود. همزمان باید برای حفاظت از دیپلمات‌ها و بازرسان اروپایی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ایران و جلوگیری از خطر آلودگی رادیواکتیو ناشی از حملات بیشتر تلاش کند. مهم‌تر از همه، اروپا باید با دولت آمریکا و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای جلوگیری از یک درگیری گسترده‌تر هماهنگ شود. کشورهای اروپایی باید از بازیگران خلیج فارس که نفوذ بیشتری در واشنگتن دارند، بخواهند تا ترامپ را متقاعد کنند که آمریکا از حملات بیشتر اسرائیل حمایت نخواهد کرد. در نهایت، اروپا نباید مسیر دیپلماسی را رها کند. این حمله باید انگیزه‌ای برای تعامل فشرده‌تر با هدف کاهش فوری بحران و ارائه یک مسیر سیاسی و اقتصادی قابل قبول باشد که شرایط را برای احیای توافق هسته‌ای، یعنی همان موضوعی که ظاهراً در قلب این درگیری قرار دارد، فراهم کند.



# مستحکم



# درباره مواضع مقام‌های اسرائیلی

اسرائیلی در حال حاضر آزادانه به ادامه فعالیت می‌پردازند و نه تنها به ادامه جنایت‌ها در غزه ادامه می‌دهند بلکه دامنه جنایت‌هایشان را به دورترین شهرهای ایران هم گسترش داده‌اند. اسرائیل روز جمعه ۲۳ خرداد، حمله نظامی گسترده‌ای را علیه ایران آغاز و بسیاری از مناطق ایران به ویژه مناطق مسکونی را هدف بمباران قرار داد.

بر اساس اعلام مقام‌های رسمی ایران، تاکنون علاوه بر بسیاری از مردان نظامی و غیرنظامی که بر خلاف اصول و قوانین بین‌المللی هدف قرار گرفتند، دست کم ۷۳ کودک و زن در حملات اسرائیل به شهرهای ایران جان باخته‌اند. وزارت امور خارجه ایران نیز مستنداتی از حملات اسرائیل به بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان قارایی در شهر کرمانشاه منتشر کرده است.

جنایت‌های اسرائیل در غزه هم بدون وقفه ادامه می‌یابد. روایت‌های متعددی هم از این جنایت‌ها در رسانه‌ها منتشر می‌شود. روزنامه گاردین در مقاله‌ای که روز ۱۵ ژوئن منتشر کرد آورده است: «مادر احمد زیدان، نوجوان ۱۲ ساله فلسطینی درست در مقابل او، زمانی که تلاش داشت تا برای خانواده‌اش غذا تهیه کند، گلوله خورد و جان خود را از دست داد. او به یکی از مراکز خصوصی توزیع غذا که از سوی ایالات متحده و اسرائیل اداره می‌شود رفته بود اما هدف گلوله قرار گرفت.»

مرگ این زن تنها یک نمونه از جنایت‌هایی است که در غزه اتفاق می‌افتد. تاکنون صدها نفر از مردم غزه در مراکز توزیع غذا یا در مسیر رسیدن به این مراکز جان خود را از دست داده‌اند. روز یکشنبه ۱ ژوئن بیش از ۳۰ نفر از مردم غزه در تلاش برای دستیابی به غذا برای خانواده‌هایشان کشته شدند. روز دوشنبه ۲ ژوئن، ۳ نفر دیگر در آنجا به قتل رسیدند. مقام‌های محلی تعداد کشته‌شدگان در مسیر رسیدن به مراکز غذا یا در مراکز غذا در روز سه‌شنبه ۳ ژوئن را ۲۷ نفر اعلام می‌کنند. روز یکشنبه ۸ ژوئن ۴ نفر کشته شدند. تعداد کشته‌شدگان در روز سه‌شنبه ۱۰ ژوئن ۱۷ نفر و در روز چهارشنبه ۱۱ ژوئن ۶۰ نفر اعلام شد.

اسرا ابوقمر، فعال فلسطینی در یادداشتی که در روزنامه گاردین منتشر شد نوشته است: «در غزه، از آغاز نسل‌کشی، گرسنگی به‌عنوان سلاحی جنگی برای تضعیف و کنترل ما به کار گرفته شده است. هنگامی که کمک‌های بشردوستانه ایالات متحده با آماده‌سازی نقاط توزیع برای تأمین مواد غذایی برای مردم غزه آغاز شد، روزهای از امید پدید آمد که شاید این گرسنگی سرانجام تسکین یابد. اما اکنون هیچ امیدی باقی نمانده است. این نقاط توزیع به تله‌های مرگ تبدیل شده‌اند. این وضعیت به گونه‌ای مرا به یاد ایزود چراغ قرمز، چراغ سبز سربال بازی مرکب می‌اندازد، با این تفاوت که در غزه هیچ کس پیروز نمی‌شود.»

بر اساس گزارشی از روزنامه واشنگتن‌پست، در ماه آوریل نیز یک گروه تحقیقاتی متشکل از سربازان سابق ارتش اسرائیل به‌ویژه تعدادی از کسانی که در عملیات‌های پس از ۷ اکتبر مشارکت داشتند، در گزارشی اعلام کرده که مستندات نشان می‌دهند ارتش

شده بود، صادر و آن‌ها را به «جنایت علیه بشریت» و «جنایت جنگی» متهم کردند. این نخستین بار بود که دیوان کیفری بین‌المللی چنین دستوری را علیه یک رهبر مورد حمایت غرب صادر می‌کند. در آن زمان، قضات دیوان کیفری بین‌المللی اعلام کردند که «دلایلی منطقی» برای باور این مسئله وجود دارد که نتانیاوو گالانت مسئول جنایت‌هایی مانند «استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی» و «قتل، آزار و اذیت غیرنظامیان و دیگر اعمال غیرانسانی» هستند. این دستور در پی درخواست کریم احمدخان، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی و پس از ۶ ماه تحقیق و بررسی صادر شده بود.

دیوان کیفری بین‌المللی که مقر آن در شهر لاهه هلند قرار دارد، در سال ۲۰۰۲ برای محاکمه افرادی که مرتکب جنایاتی چون نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی می‌شوند، تأسیس شد. ICC نهادی مستقل است و با دیوان بین‌المللی دادگستری سازمان ملل متحد (ICJ) تفاوت دارد. تأسیس این دیوان یکی از جاه‌طلبانه‌ترین و آرمانگراییانه‌ترین اقدامات در عرصه بین‌المللی برای مقابله با نقض حقوق بشر بود و بسیاری از کشورهایی که خود را حامی ارزش‌های لیبرال معرفی می‌کنند، دست‌کم تا سال گذشته میلادی از تصمیمات آن حمایت می‌کردند.

با این وجود، از زمان صدور حکم دیوان بین‌المللی کیفری علیه بنیامین نتانیاوو و یوآو گالانت، بسیاری از کشورهای غربی و رهبرانی که مدعیان اصلی ارزش‌های لیبرال و حقوق بشر بودند، تصمیم گرفتند با نادیده گرفتن حکم دیوان کیفری بین‌المللی، همچنان مانع روبه‌رو شدن مقام‌های اسرائیلی با تبعات جنایت‌هایشان شوند. در آوریل ۲۰۲۵، نخست‌وزیر رژیم اسرائیل در قالب سفری رسمی عازم یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا شد. تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا در آن زمان عضو اساسنامه رم بودند و بر اساس تکالیف قانون پذیرفته‌شده از سوی مجالس داخلی خود، وظیفه داشتند که در صورت امکان و در سرزمین خود دستورات دیوان کیفری بین‌المللی را اجرا کنند. اما، نتانیاوو روز ۷ آوریل به مجارستان سفر کرد و ضمن استقبال گسترده از سوی دولت مجارستان، ویکتور اوربان اعلام کرد که کشورش از اساسنامه رم خارج خواهد شد. مجارستان نخستین کشوری نبود که تصمیم می‌گرفت حکم دیوان کیفری بین‌المللی علیه مقام‌های ارشد کشوری دیگر را نادیده بگیرد. ایالات متحده و آلمان پیش از آن اعلام کرده بودند حکم دیوان علیه مقام‌های اسرائیلی را اجرا نخواهند کرد. فردریش مرتس، صدراعظم آلمان از جمله کسانی است که پیش از رسیدن به مقام صدراعظمی اعلام کرده بود حکم بازداشت نتانیاوو در دولت او اجرا نخواهد شد اما «آلمان به عنوان یک عضو متعهد دیوان کیفری بین‌المللی باقی خواهد ماند.»

### ▼ جنایت ادامه دارد

مسئله صرفاً این نیست که احکام دادگاه کیفری بین‌المللی علیه مقام‌های اسرائیلی نادیده گرفته‌شده اند یا اجرائی شوند. مقام‌های

**از زمان صدور حکم دیوان بین‌المللی کیفری علیه بنیامین نتانیاوو و یوآو گالانت، بسیاری از کشورهای غربی و رهبرانی که مدعیان اصلی ارزش‌های لیبرال و حقوق بشر بودند، تصمیم گرفتند با نادیده گرفتن حکم دیوان کیفری بین‌المللی، همچنان مانع روبه‌رو شدن مقام‌های اسرائیلی با تبعات جنایت‌هایشان شوند**



دو قاضی دیگری در فکت‌شیت آمریکایی‌ها به آن اشاره شده بود، یعنی سوفی آلپینی گانسو از بنین و بتی هوهرلر از اسلوونی، هر دو به دلیل صدور حکم تحقیق درباره جنایت‌های جنگی اسرائیل و دستور بازداشت نخست‌وزیر اسرائیل و وزیر دفاع سابق این رژیم تحت تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند. ادعای آمریکا درباره این مسئله هم این بود که اسرائیل عضوی از اساسنامه رم نیست و نباید دیوان به تحقیق و صدور حکم درباره مقام‌های این رژیم می‌پرداخت. با این حال، مجدداً دیوان استدلال می‌کرد که به دلیل عضویت فلسطین در دیوان و رقم خوردن جنایت در کرانه باختری و نوار غزه، امکان بررسی مسئله از سوی دیوان کیفری بین‌المللی وجود دارد.

سه قاضی دیوان کیفری بین‌المللی، روز پنجشنبه ۲۱ نوامبر حکم بازداشت بنیامین نتانیاوو، نخست‌وزیر اسرائیل و وزیر جنگ پیشین او، یوآو گالانت را که روز ۵ نوامبر از جایگاه خود برکنار



محمدحسین لطف‌اللهی

خبرنگار بین‌الملل

حمله نظامی اسرائیل به ایران در شرایطی آغاز شد و ادامه دارد که دیوان کیفری بین‌المللی در لاهه، حکم به بازداشت نخست‌وزیر و وزیر دفاع سابق اسرائیل داده و کشورهای غربی به رهبری آمریکا با نادیده گرفتن این حکم، به توجیه حملات اسرائیل علیه ایران ادامه می‌دهند تا اسرائیل همچنان بتواند به کشتار غیرنظامیان در ایران و فلسطین ادامه دهد.

ایالات متحده، یک هفته پیش از آغاز حمله نظامی اسرائیل به ایران، ۴ قاضی دیوان کیفری بین‌المللی را به دلیل «اقدامات نامشروع و بی‌پایه و اساس آن‌ها علیه آمریکا و متحدانش» تحریم کردند. مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا در بیانیه‌ای پیرامون این موضوع نوشت: «دیوان کیفری بین‌المللی رفتاری سیاسی دارد و به دروغ مدعی است که اختیار تام برای تحقیق، اتهام‌زنی و پیگرد قانونی اتباع ایالات متحده و متحدان ما دارد.» او مدعی شد که «این اقدامات خطرناک، امنیت ملی ما و متحدان ما از جمله اسرائیل را به خطر می‌اندازد.»

در فکت‌شیت منتشر شده از سوی وزارت امور خارجه آمریکا اعلام شده است که دو قاضی به نام‌های سالومی بالونگی باسا از اوگاندا و لازل دل کارمن ایبائز کارانزا از پرو به دلیل صدور حکم تحقیق درباره اقدامات سربازان آمریکایی در افغانستان که در دوره نخست ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ صادر شد، مورد تحریم قرار گرفته‌اند. واشنگتن مدعی بود که به دلیل عدم عضویت آمریکا در اساسنامه رم، دیوان کیفری بین‌المللی اختیار حقیقی برای تحقیقات و رسیدگی به جرائم آمریکایی‌ها ندارد. در مقابل قضات دیوان کیفری بین‌المللی استدلال می‌کردند که چون افغانستان عضو اساسنامه رم است، جرائم اتفاق افتاده در قلمرو این کشور در صلاحیت بررسی توسط دیوان قرار دارند.

دو قاضی دیگری در فکت‌شیت آمریکایی‌ها به آن اشاره شده بود، یعنی سوفی آلپینی گانسو از بنین و بتی هوهرلر از اسلوونی، هر دو به دلیل صدور حکم تحقیق درباره جنایت‌های جنگی اسرائیل و دستور بازداشت نخست‌وزیر اسرائیل و وزیر دفاع سابق این رژیم تحت تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند. ادعای آمریکا درباره این مسئله هم این بود که اسرائیل عضوی از اساسنامه رم نیست و نباید دیوان به تحقیق و صدور حکم درباره مقام‌های این رژیم می‌پرداخت. با این حال، مجدداً دیوان استدلال می‌کرد که به دلیل عضویت فلسطین در دیوان و رقم خوردن جنایت در کرانه باختری و نوار غزه، امکان بررسی مسئله از سوی دیوان کیفری بین‌المللی وجود دارد.

سه قاضی دیوان کیفری بین‌المللی، روز پنجشنبه ۲۱ نوامبر حکم بازداشت بنیامین نتانیاوو، نخست‌وزیر اسرائیل و وزیر جنگ پیشین او، یوآو گالانت را که روز ۵ نوامبر از جایگاه خود برکنار